

## صدا با سکوت آشتی نمی کند

دست های استبداد است که باز تکرار را بر تاریخ زادگاه مان می نویسد یا زمان است که دور بسته ی همواره را بر سرنوشت مان رقم میزند؟ دیری است که دل هامان آرزومند فریادی رها و قهقه ای آزاد در خیابان هاست، آرزومند نان و آب و هوای پاکیزه، شغلی که برکت را با سفره ی خالی خانه آشتی دهد و شرافت و سرفرازی انسانی را به آدمی بازگرداند. آرزومند آن که قلم ها را نشکنند، زنان و مردان را از اندیشیدن، نگاشتن و خلق دل خواهانه باز ندارند. آرزومند آن که زن و مرد هیچ کدام نیازمند اثبات انسان بودن خود نباشند. دیری است که زنان آرزومند شانه کردن موها در باداند و آرزومند سرخ، سبز، نارنجی... و شاعران آرزومندان سرودن و ساکنان زیر خط فقر آرزومند سفره ایی رنگین. در دیار ما سرفرازی و غرور، آزادی و خنده و شادمانی و خاطره ی عشق و شعر و ترانه و سرود و رقص را از آدمیان گرفته اند. دیری است که خیابان ها چشم انتظاران مشتاق گام های عاشقانند و شکوفه های خنده.

### تاریخ است که تکرار می شود؟

زنان این آب و خاک، دشنه بر گلو، در صفوف تظاهرات و اعتراض ها و تحصن ها، در زندان ها و دخمه ها حضور خود را فریاد می کنند. گلو هاشان را می درند، حضورشان را پشت حجاب سیاهی به بند می کشند، تن هاشان را در گونی به سنگ می بندند و یا به پیشیزی در چهار راه ها می خرنند تا پس از ساعتی با تحقیر در همان چهار راه رهایشان کنند. اما شور زندگی و خروش آزادی فرمان سکوت را به رسمیت نمی شناسد. صدا با سکوت آشتی نمی کند.

از لغز مشروطیت تا کنون جرقه ی اعتراض ها و انقلاب ها را زنان بر افروخته اند که به تحقیر "ناقص العقل" و "ضعیفه" می خوانندشان. بر خیمه ی زن ستیزی و استبداد آتش افکنده اند، آوای خفه شده ی آزادی را قرن ها در اندرونی ها و شالیزارها زمزمه کرده اند تا در هنگامه ی سرنوشت ساز چون فریادی سوزان بر سینه ی شب و سکوت پرتاپ کنند. طاهره شدند، فروغ شدند و آن زن گمنام اسلام شهر و شاتره. خفه شان کردند، طرد و زندانی شان کرده و می کنند، تازیانه می خورند، اعدام می شوند، اما کارشان زنده نگاه داشتن آتش است. پرومته های مونث زنجیر هایشان را به مشغل های آزادی بدل می کنند!

تاریخ سرکوب است که زادگاه ما را می نوردد، یا آوای زنان است که بی گسست از زمزمه به فریاد بدل می شود، خروش و خیزش می شود و "قدرت" را به چالش می طلبد. فریاد آزادی خواهی، فریاد شکم های گرسنه و لبان تشنه است که در این تابستان داغ شعله می کشد. زنان شاتره به یاری جوانان زنجیره ایی از این پیوستگی اعتراض ها و مبارزه ها هستند، تشنگان آبادان، دانشجویان تبریز، شیراز و تهران، دانشجویان در بند و متحصن، کارگران کارخانجات و مراکز صنعتی و جوانان بی کاری که در خیابان های تهران سر به شورش برداشته اند، نگارندگان تقدیری تازه اند.

زنان و مردان بسیاری به جرم دفاع از آزادی و آزادی خواهان در اسارت اند، صدها دانشجوی معترض در زندان ها شکنجه می شوند و بسیاری از خانه های خود متواری و پنهان شده اند. اکنون که چهلمین شماره ی آوای زن را منتشر می کنیم در کشورمان جنبش آزادی خواهی هر روز اوجی تازه می گیرد. زنان و جوانان ایرانی پیش گام این جنبش، آزادی، نان، آب و کار می خواهند. زنان بیش از هر زمان دیگری در تاریخ ایران به خود آگاهی دست یافته اند و سرکوب جنسی را تاب نمی آورند. نهال جوانه ها به درختان سبز بر کشیده اند و آوای زن به ده سالگی قدم می گذارد.

تیر ماه، ژوئیه ۲۰۰۰

شعله ایرانی

برای تماس با نشریه ی آوای زن با نشانی الکترونیکی زیر تماس بگیرید [sholeh.irani@mailbox.swipnet.se](mailto:sholeh.irani@mailbox.swipnet.se)